در صلح، «دشمن» از بیرون به درون منتقل می‌شود و از هویت خارجی به چالش داخلی بدل می‌شود: دشمن ما جهل، فساد، عقب‌ماندگی، مردم‌گریزی، ناکارآمدی و ناامیدی است. وحدت ملی برای غلبه بر این آفات، ضروری است.

آیا «شهید» همیشه قهرمان وحدت است؟

«شهید» به‌مثابه‌ی کسی که والاترین دارایی خود، یعنی جان شیرین‌اش، را برای دفاع از خاک و هم‌وطنانش فدا کرده، قابلیت عظیمی برای تبدیل‌شدن به نماد وحدت ملی دارد. فداکاری او فراتر از دسته‌بندی‌های مذهبی و سیاسی روزمره است و به همه‌ی ملت تعلق دارد، اما این جایگاه زمانی به خطر می‌افتد که یک گروه یا ایدئولوژی خاص، شهید را «مصادره» کرده و او را از قهرمان ملی به «شهید حزبی» تقلیل دهد. وقتی از نام شهید برای توجیه وضع موجود، حذف دگراندیشان و ایجاد مرزبندی‌های خودی-غیرخودی استفاده می‌شود، شهید از نماد وحدت‌بخش به ابزاری برای تفرقه تبدیل می‌شود.

حفظ جایگاه وحدت‌آفرین شهید، مستلزم آن است که او را به جایگاه رفیع‌اش بازگردانیم؛ انسان فداکاری که برای ملت و تمامیت ارضی جان باخته، نه برای یک جناح سیاسی خاص. باید روایت‌های انسانی و چندصدایی از شهدا را گرامی داشت و از تقدس‌سازی‌ای پرهیز کرد که راه را بر هرگونه پرسش و خوانش متفاوت از شهید می‌بندد. شهید به همه‌ی ایرانیان تعلق دارد، نه فقط به کسانی که پیچ روایتگری رسمی را در دست دارند. مثلاً جالب است بدانیم که در جنگ تحمیلی هشت‌ساله، شماری شهید داوطلب بهایی داشته‌ایم، گرچه در قاب رسمی روایت از جنگ این شهدا جایی ندارند و حتی بنیاد شهید آن‌ها را به‌عنوان شهید به‌رسمیت نشناخته است؛ اما وحدت غیر ایدئولوژیک ملی مستلزم به‌رسمیت شناختن تمام دلباختگان وطن، از هر مذهب و مرامی است.

در یک نظام چندملیتی، انسجام ملی به چه‌معناست؟

ایران کشوری با تنوع قومی، زبانی و مذهبی شگرف است. استفاده از مفهوم «نظام چندملیتی» برای ایران ابداً روا نیست؛ بهتر است از ملت واحد با فرهنگ‌های متکثر سخن بگوییم. در چنین بستری، اصرار بر یکسان‌سازی فرهنگی (Assimilation) محکوم به شکست و عامل تفرقه است.

انسجام ملی در ایران به‌معنای حذف تکثر به‌نفع هویت مرکزگرا نیست، بلکه به‌معنای «وحدت در کثرت» است. این دست‌کم بدین سه معناست:

۱ **به‌رسمیت شناختن حقوق فرهنگی و زبانی:** همه‌ی اقوام ایرانی باید احساس کنند که فرهنگ و زبان‌شان بخشی از هویت ملی ایران است و محترم شمرده می‌شود. گرچه محوریت زبان فارسی به‌عنوان زبان ملی باید حفظ شود.

۲ **تمرکز بر شهروندی:** آنچه همه‌ی ما را به هم پیوند می‌دهد، نه قومیت یا مذهب خاص، بلکه «شهروندی» برابر در چارچوب کشور واحد است.

۳ **«انسجام غیرایدئولوژیک ملی»:** انسجام غیرایدئولوژیک ملی بر پایه‌ی قانون، حقوق برابر و مشارکت سیاسی همگانی استوار است و به تنوع فرهنگی اجازه‌ی بروز و رشد می‌دهد.

«ملت» همچنان واحد تحلیلی مفید است، اما به‌شرطی که آن را «ملت مدنی» (Civic Nation) تعریف کنیم، نه «ملت قومی» (Ethnic Nation) هویت ایرانی چتر فراگیری است که همه‌ی این رنگین‌کمان فرهنگی را در برمی‌گیرد.

آیا می‌توان از «حق نافرمانی مدنی» در دلِ انسجام ملی دفاع کرد؟

بله. نه‌تنها می‌توان دفاع کرد که باید دفاع کرد. نافرمانی مدنی، اگر در چارچوب اصول ملی (نفی خشونت، تعهد به تمامیت ارضی و عدم‌وابستگی خارجی) صورت گیرد، نه‌تنها ضد انسجام ملی نیست که تضمین جامعه در جلوگیری از استبداد و فروپاشی حکمرانی است.

وقتی حاکمیت از میثاق ملی خود به‌شکل نهادینه و اصلاح‌ناپذیر، عدول می‌کند و «ایران را برای همه‌ی ایرانیان» نمی‌خواهد، نافرمانی مدنی ابزار شهروندان برای یادآوری میثاق ملی است. نافرمانی مدنی کنش وفادارانه به ایران است، حتی اگر در مخالفت با دولت مستقر باشد؛ این یعنی تمایز میان وفاداری به ملت و وفاداری به حکومت.

جامعه‌ای که حق اعتراض و نافرمانی مدنی مسالمت‌آمیز را تحت هر شرایطی سرکوب می‌کند، شکنندگی خود را به نمایش می‌گذارد. انسجام ملی پایدار، آن‌چنان قوی و منعطف است که می‌تواند صدای مخالف را در درون خود هضم کند و از آن برای اصلاح و تقویت خود بهره ببرد. سرکوب اعتراض مدنی نشانه‌ی وحدت ملی نیست، نشانه‌ی ترس از فروپاشی وحدت پوشالی است.

نقش حافظه‌ی جمعی در عصر پساجنگ چیست: التیام‌بخش است یا زخم زنده‌نگه‌دار؟

حافظه‌ی جمعی شمشیر دولبه است. می‌تواند هم التیام‌بخش باشد، هم زخم‌ها را زنده نگه دارد؛ همه‌چیز به «نحوه‌ی روایت» بستگی دارد. وقتی حافظه‌ی جمعی (مثلاً از رخداد جنگ) صرفاً بر جنایت دشمن و مظلومیت خودی تأکید می‌کند و از آن برای بسیج دائمی و لاپوشانی ناکارآمدی در زمان حال استفاده می‌کند، این حافظه‌ی مخرّب به ابزاری برای بازتولید نفرت و توجیه ناکارآمدی بدل می‌شود. این روایت مانع از صلح درونی و بیرونی است.

اما حافظه‌ی جمعی زمانی شفابخش است که در کنار یادآوری فداکاری‌ها و جنایات، به ما درس‌هایی برای آینده بدهد. این حافظه‌ی سازنده بر ابعاد انسانی فاجعه تأکید می‌کند، به همه‌ی قربانیان (حتی غیرخودی‌ها) احترام می‌گذارد و هدفش «تکرار نشدن فاجعه» است. این حافظه، حافظه‌ی مقاوم و مسئول است که ضمن فراموش نکردن گذشته، به‌دنبال ساختن آینده‌ای متفاوت است. تعادل میان فراموشی شفابخش و حافظه‌ی مقاوم در گرو سیاست حافظه‌ی ملی است، که هدف آن نه انتقام‌جویی، بلکه عبرت‌آموزی، عدالت و آشتی است.

آیا در عصر رسانه‌های شبکه‌ای، انسجام ملی ممکن است؟

انسجام ملی به کمک رسانه‌های کلاسیک قرن بیستم البته دیگر ممکن نیست. این بدان‌معناست که انسجام ملی مبتنی بر «روایت ملی واحد» که از سوی رسانه‌های رسمی (رادیو، تلویزیون) منتشر می‌شد، به تاریخ پیوسته است. عصر رسانه‌های شبکه‌ای همانا عصر تکثر روایت‌ها و مرگ رسانه‌ی مرکزی دولتی است. این چالش بزرگی است، اما فرصت نیز هست. تلاش برای بازگشت به مدل قدیمی رسانه که صداوسیما بر آن اصرار دارد، تلاشی بیهوده و سرکوب‌گرانه است. راهکار، پذیرش این واقعیت رسانه‌شناختی مرکزگریز و از بالا به پایین جدید و تلاش برای ایجاد نوعی «وحدت در کثرت روایی» است. این یعنی:

۱ **ایجاد فضاهای گفت‌وگوی عمومی:** به‌جای تلاش برای کنترل یا سرکوب روایت‌ها، باید بسترهایی برای تضارب آراء و گفت‌وگو میان روایت‌های مختلف ایجاد کرد.

۲ **تقویت سواد رسانه‌ای:** شهروندان باید قادر به تشخیص اطلاعات نادرست و تحلیل نقادانه‌ی روایت‌های مختلف باشند.

۳ **تمرکز بر نقاط اشتراک:** با وجود همه‌ی تفاوت‌ها، روایت‌های مختلف می‌توانند بر سر اصول کلی مانند تمامیت ارضی، منافع ملی و ارزش‌های انسانی به اشتراک برسند. انسجام ملی جدید، نه از دل یک روایت واحد، بلکه از گفت‌وگوی مداوم میان روایت‌های متکثر حول محور مشترک ایران و منافع ملی شکل می‌گیرد.

مثلاً شبکه‌ی نمایش خانگی، که در ایران بسیار گسترش یافته و سریال‌های بعضاً باکیفیتی هم بیرون می‌دهد، گرچه غیردولتی و کاملاً خصوصی نیست ولی قدمی امیدبخش به سمت رسمیت‌یافتن تکثر روایی در درون ایران است.

مرز میان انسجام ملی و حذف صداهای متفاوت کجاست؟

مرز دقیقاً همان جای باریکی است که «وحدت» به «یکسان‌سازی» بدل می‌شود. انسجام ملی (Unity) یعنی گردآمدن اجزای گوناگون ملت برای تشکیل کلی بزرگتر، درحالی‌که هر جزء هویت خود را حفظ می‌کند؛ مانند تارهای رنگارنگ قالی که در کنار هم نقش واحد و زیبایی می‌سازند. اما یکسان‌سازی (Uniformity) یعنی رنگ‌کردن همه‌ی تارهای رنگارنگ قالی با رنگی واحد؛ حتی اگر آن تک‌رنگ، به‌خودی‌خود هم زیبا باشد، نتیجه‌ی این کار قالی‌ای بی‌روح و فاقد زیباییِ طراز است. پروژه‌ی انسجام ملی زمانی سالم و دموکراتیک است که تکثر را به‌عنوان سرمایه به‌رسمیت بشناسد. اما هرگاه به‌بهانه‌ی وحدت، زبان، فرهنگ، مذهب یا سبک زندگی متفاوت، یک گروه سرکوب شود تا با اکثریت همسان گردد، ما از مرز انسجام عبور کرده و به ورطه‌ی سرکوب، پاکسازی فرهنگی و یکسان‌سازی ایدئولوژیک افتاده‌ایم.

راهکار، پایبندی به اصل اصیلِ «ایران برای همه‌ی ایرانیان» است. در این چارچوب، وحدت به‌معنای تعهد همگانی به خانه‌ی مشترک است، خانه‌ای که در آن هر اتاق، دکوراسیون و رنگ خاص خود را دارد، اما همه‌ی اتاق‌ها در استحکام کل خانه شریک‌اند. مرز باریک وحدت و یکسان‌سازی، در به‌رسمیت شناختن حقوق برابر شهروندی برای همه‌ی افراد، صرف‌نظر از تعلقات‌شان، نهفته است.

اتکا به دشمن برای ایجاد انسجام، نوعی فرار به جلو و سرپوش گذاشتن بر شکاف‌ها و بی‌عدالتی‌های داخلی است. این وحدتی کاذب، هیجانی و ناپایدار خواهد بود. در دوران صلح/آتش‌بس، چسب اجتماعی باید از امری سلبی (مقابله با دشمن) به امری ایجابی (ساخت آینده) تغییر کند. به‌جای دشمن، پروژه‌ی ملی‌مشترک باید چسب هویت مشترک اجتماعی باشد

حوزه ثبت ملک زیبادشت تهران م‌الف/۱۴۰۵۸

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی زراعی، باغات و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

چون برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۱۱۴۷۰۰۴۱۲۰ مورخ ۱۴۰۴/۶/۱۷ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی زراعی، باغات و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مصوب ۲۰/۹/۹۰ مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک زیبادشت تهران تصرفات مفروزی و مالکانه بلامعارض آقای مصطفی سنگ سفیدی به شماره شناسنامه ۱۰۸۴ و کد ملی ۰۷۹۳۴۹۳۲۱۸ فرزند عبداله در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۷۶ مترمربع قسمتی از پلاک ۶۲۷ فرعی از ۳ اصلی واقع در بخش ده تهران محرز شده لذا به منظور اطلاع ذوی‌الحقوق و شرکای مشاعی مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است پس از انقضای مهلت قانونی و عدم وصول واخواهی و اعتراض طبق مقررات سند مالکیت به نام نامبرده صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۷/۵ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۷/۲۰

محمدعلی ابراهیمی/سرپرست واحد ثبتی حوزه ثبت ملک زیبادشت تهران

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان تهران - اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک یافت‌آباد تهران
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی م‌الف/۱۴۴۹۴

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۱۰۷۸۰۰۴۶۳۶ مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۸ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک یافت‌آباد تهران تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای صاحبعلی سالک دوستی فرزند یقینعلی به شماره شناسنامه ۱ صادره از هشترود در رشش دانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۱۰۸ مترمربع پلاک ۱۴۲۹۹ فرعی از ۲ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۸۷۲۷ فرعی از ۲ اصلی واقع در بخش ۱۲ تهران خریداری از مالک رسمی خانم کبری میرزاتاراج محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۷/۲۰ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۸/۵

خداداد بشیری - رئیس ثبت اسناد و املاک یافت‌آباد تهران

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان تهران - اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک یافت‌آباد تهران
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی م‌الف/۱۴۴۹۸

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۱۰۷۸۰۰۳۹۹۹ مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۲۷ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک یافت‌آباد تهران تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای حیدر امکانی فرزند حسن به شماره شناسنامه ۵۶۰۵ صادره از هریس در رشش دانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۶۳/۲۵ مترمربع پلاک ۳۹۵۳ فرعی از ۲ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۵۳۵ فرعی از ۲ اصلی قطعه ۶۳ تفکیکی واقع در بخش ۱۲ تهران خریداری از مالک رسمی آقای حسین ایزد و بهروز صمیمی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۷/۲۰ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۸/۵

خداداد بشیری - رئیس ثبت اسناد و املاک یافت‌آباد تهران

حوزه ثبت ملک مولوی تهران م‌الف/۱۴۴۹۲

مالکیت داود/جعفری فرزند عبداله شماره شناسنامه ۱۳۸۱ تاریخ تولد ۱۳۵۳/۰۵/۲ صادره از تهران دارای شماره ملی ۰۰۵۷۳۷۳۸۵۴۹ با جز سهم ۶ از کل سهم ۱۲۰ به عنوان مالک شش سهم مشاع از صد و بیست سهم عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت ۹۶۰۹۹۷۰۹۱۵۶۰۱۵۶۲ تاریخ ۱۳۹۶/۰۹/۲۹ موضوع سند مالکیت اصلی به شماره چاپی ۱۱۷۰۲۴ سری ب سال ۹۸ با شماره دفتر الکترونیکی ۱۳۹۸۲۰۳۰۱۰۴۲۰۲۱۲۴۱ ثبت گردیده است.

مالکیت ابراهیم/جعفری فرزند عبداله شماره شناسنامه ۸۳۹۵ تاریخ تولد ۱۳۶۱/۰۶/۲۸ صادره از تهران دارای شماره ملی ۰۰۶۷۳۲۹۳۳۴۹ با جز سهم ۶ از کل سهم ۱۲۰ به عنوان مالک شش سهم مشاع از صد و بیست سهم عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت ۹۶۰۹۹۷۰۹۱۵۶۰۱۵۶۲ تاریخ ۱۳۹۶/۰۹/۲۹ موضوع سند مالکیت اصلی به شماره چاپی ۱۱۷۱۹۲ سری ب سال ۹۸ با شماره دفتر الکترونیکی ۱۳۹۸۲۰۳۰۱۰۴۲۰۲۱۴۷۱ ثبت گردیده است.

مالکیت لعیا/جعفری فرزند عبدالله شماره شناسنامه ۲۶۹۲ تاریخ تولد ۱۳۵۷/۰۵/۲۹ صادره از تهران دارای شماره ملی ۰۰۱۳۹۳۹۳۹۶۱۷ با جز سهم ۱۳ از کل سهم ۱۲۰ به عنوان مالک سه سهم مشاع از صد و بیست سهم عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت ۹۶۰۹۹۷۰۹۱۵۶۰۱۵۶۲ تاریخ ۱۳۹۶/۰۹/۲۹ موضوع سند مالکیت اصلی به شماره چاپی ۱۱۷۰۲۶ سری ب سال ۹۸ با شماره دفتر الکترونیکی ۱۳۹۸۲۰۳۰۱۰۴۲۰۲۱۲۵۱ ثبت گردیده است.

مالکیت علی /جعفری فرزند عبداله شماره شناسنامه ۹۰ تاریخ تولد ۱۳۵۱/۰۱/۱۱ صادره از تهران دارای شماره ملی ۰۰۵۶۶۰۸۵۹۷ با جز سهم ۶ از کل سهم ۱۲۰ به عنوان مالک شش سهم مشاع از صد و بیست سهم عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت ۹۶۰۹۹۷۰۹۱۵۶۰۱۵۶۲ تاریخ ۱۳۹۶/۰۹/۲۹ موضوع سند مالکیت اصلی به شماره چاپی ۱۱۷۰۲۲ سری ب سال ۹۸ با شماره دفتر الکترونیکی ۱۳۹۸۲۰۳۰۱۰۴۲۰۲۱۲۳۵ ثبت گردیده است. پلاک فوق با عنایت به گواهی دفتر املاک و دفتر بازداشتی در قید بازداشت نمی‌باشد. لذا با توجه به اعلام فقدان سند مالکیت ملک فوق‌الذکر و درخواست صدور المثنی آن مراتب اعلام تا هرکس نسبت به ملک مورد آگهی معامله کرده که در قسمت چهارم این آگهی ذکر نشده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می‌باشد باید تا ده روز پس از انتشار آگهی به ثبت محل مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نماید و اگر ظرف مهلت مقرر اعتراض نرسد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارائه نشود اداره ثبت المثنی سند مالکیت را طبق مقررات صادر و به متقاضی تسلیم خواهد کرد. نشانی ثبت محل: خیابان شیخ هادی نرسیده به خیابان جمهوری نبش کوچه رجب بیگی پلاک ۳۶۶ اداره ثبت اسناد و املاک مولوی

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای ابراهیم جعفری اصالتا و وکالتا از طرف فرشهناز و محمد و عبداله و داود و لعیا و علی شهرت همگی جعفری با استناد وکالتنامه شماره ۴۰۹۱۶ مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۰۳ دفترخانه ۸۱ تهران با اعلام مفقودی سند مالکیت ملک مورد آگهی با تسلیم استشهادیه گواهی امضا شده ذیل شماره ۳۶۸۱۸ الی ۳۶۸۲۴ مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۱۷ دفترخانه ۶۸۶ تهران طی درخواست وارده ۱۱۶۲۸ مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۱۸ تقاضای صدور المثنی سند مالکیت را نموده‌اند که مراتب در اجرای ماده ۱۲۰ آئین‌نامه قانون ثبت به شرح زیر آگهی می‌گردد: ۱- نام و نام خانوادگی مالک: آقای ابراهیم و شهناز و محمد و عبداله و داود و لعیا و علی همگی جعفری (مالکین ششدانگ) ۲- شماره پلاک: ۰ فرعی از ۴۰۰۳ اصلی واقع در بخش ۵ تهران ۳- علت مفقودی: جابجایی ۴- خلاصه وضعیت مالکیت: سند ششدانگ بنای احداثی وضعیت خاص طبق باکاربری به پلاک ثبتی ۰ فرعی از ۴۰۰۳ اصلی، مفروز و مجزا شده از فرعی از اصلی مذکور، در طبقه و واقع در بخش ۵ ناحیه ۰۰ حوزه ثبت ملک مولوی تهران استان تهران به مساحت ۲۷۴٫۶۶ مترمربع متن ملک شماره چهار هزار و سه اصلی واقع در بخش پنج حوزه ثبتی مولوی استان تهران به مساحت (۲۷۴/۶۶) دویست و هفتد و چهار متر و شصت و شش دسیمتر مربع که مقدار ۴۹٫۸۲ مترمربع آن هنگام تخریب و نوسازی جزگذر خواهد شد.

مشخصات مالکیت:

مالکیت شهناز/جعفری فرزند عبداله شماره شناسنامه ۱۸۶۶ تاریخ تولد ۱۳۵۴/۰۶/۰۸ صادره از تهران دارای شماره ملی ۰۰۷۳۷۶۶۹۳۳ با جز سهم ۱۳ از کل سهم ۱۲۰ به عنوان مالک سه سهم مشاع از صد و بیست سهم عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت ۹۶۰۹۹۷۰۹۱۵۶۰۱۵۶۲ تاریخ ۱۳۹۶/۰۹/۲۹ موضوع سند مالکیت اصلی به شماره چاپی ۱۱۷۰۲۵ سری ب سال ۹۸ با شماره دفتر الکترونیکی ۱۳۹۸۲۰۳۰۱۰۴۲۰۲۱۲۴۷ ثبت گردیده است.

مالکیت محمد/جعفری فرزند عبداله شماره شناسنامه ۲۷۵۰ تاریخ تولد ۱۳۴۸/۰۱/۰۱ صادره از کرج دارای شماره ملی ۰۳۲۰۵۱۷۶۳۲ با جز سهم ۶ از کل سهم ۱۲۰ به عنوان مالک شش سهم مشاع از صد و بیست سهم عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت ۹۶۰۹۹۷۰۹۱۵۶۰۱۵۶۲ تاریخ ۱۳۹۶/۰۹/۲۹ موضوع سند مالکیت اصلی به شماره چاپی ۱۱۷۰۲۳ سری ب سال ۹۸ با شماره دفتر الکترونیکی ۱۳۹۸۲۰۳۰۱۰۴۲۰۲۱۲۳۶ ثبت گردیده است.

مالکیت عبداله/جعفری فرزند زین‌العابدین شماره شناسنامه ۵۶۳ تاریخ تولد ۱۳۲۵/۰۲/۰۸ صادره از زنجان دارای شماره ملی ۴۲۸۲۳۸۰۴۸۹ با جز سهم ۹۰ از کل سهم ۱۲۰ به عنوان مالک نود سهم مشاع از صد و بیست سهم عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت ۹۶۶۱۹ تاریخ ۱۳۸۴/۰۴/۱۱ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۱۴۹ شهر تهران استان تهران، موضوع سند مالکیت اصلی به شماره چاپی ۱۱۷۰۲۱ سری ب سال ۹۸ با شماره دفتر الکترونیکی ۱۳۹۸۲۰۳۰۱۰۴۲۰۲۱۲۳۴ ثبت گردیده است.

الیاس صهبا/ رئیس حوزه ثبت ملک مولوی از طرف عبداله اخلاقی سیاهمرد

آداب خدمت

آن الف بچه خبرنگار است...

ابراهیم عمران
روزنامه‌نگار

گویا معاون وزیر بهداشت، درگیری لفظی با یکی از خبرنگاران داشته است. ایشان در کلیپی که پخش شده به خبرنگار مربوطه گفته‌اند: تو دیگه بشین و در جایی دیگر هم از واژه «الف‌بچه» استفاده کرده‌اند! کاری به پرسش خبرنگار و چرایی برآشفتگی این مقام‌مسئول نداریم در این کوتاه نوشته. آنچه از کفر ابلیس و زهد اسفندیار در این موارد معروف‌تر و مشهورتر است، بی‌پناهی خبرنگارانی است که به هر دلیل سوالی در ذهن‌شان غلیان دارد. بالاتر از آن نداریم که گیریم پرسشی هدفدار طرح شود تا نوازشی صورت گیرد و این پالس به پاسخ‌دهنده داده شود که هنوز از تاک، نشان مانده است. خب میزان سعه‌صدر فردی که در چنین جایگاهی نشسته با کسی که در کوچه و میدان به هر دلیلی از کوره درمی‌رود، چیست؟ مگر یادمان رفته که برای برآشفتن دکتر فاضلی در همراهی با جناب پزشکیان، چه عرصاتی به‌پا شده بود؛ که بیشتر آن نیز تا حدود زیادی درست بود. هرچند پس و پیش یک ماجرا باید تحلیل شود تا میزان عصبیت مشخص شود. اگر قرار باشد هر مسئول و پاسخگویی چنین الفاظی به‌کار ببرد، برپایی چنین نشست‌هایی چه ثمره‌ای دارد. این واژگانِ کوچه‌بازاری که شنیده شده است، معنای پنهانش چیست. جدا از معنای تحت‌اللفظی هر واژه می‌توان معانی مستتری نیز دنبال کرد و در ذهن پروراند. سال‌هاست که مسئولانِ پاسخگو در بزنگاه‌های مختلف این ندا را سر می‌دهند که خبرنگار خوب، خبرنگار مرده است و بس. دیگر با چه زبانی بگویند که جز تمجید و تعریف نباید سخنی گفته شود. گویی همه امور به‌سامان است و بی‌نوا خبرنگاران در پی تخریب این سازه و بنا. بحث این دولت و آن دولت نیست؛ کمتر پیش‌آمده این سخن معنا شود برای بدنه پاسخگوی دولت‌ها، که خبرنگار حکم مشتری دارد و حق با اوست تحت هر شرایطی، حتی اگر به‌ناحق گوید. که ناحق‌گویی جزایش نادیده‌شدن آن خبرنگار هست در آتیه‌ای دور. نادرستی پرسش‌ها را مخاطب احتمالی متوجه می‌شود. مگر همین الان با تمام کم‌خوانی، ندیدن روزنامه‌ها و خبرگزاری‌ها، نیستند خبرنگاران و روزنامه‌نگارانی که هنوز مخاطب دارند و نام‌شان در هر رسانه موجب دیدن و خواندن است. اگر همین خبرنگاران و روزنامه‌نگاران هم از دایره ادب و انصاف خارج شوند؛ به‌طور کامل از دنیای رسانه طرد خواهند شد. وگرنه اگر قرار بر درشت‌گویی به خبرنگار باشد که او را به چنین مکان‌هایی نیاز نیست. سلامت ذهن و میزان تحمل هر مقامی باید سنجیده شود. بالادست هر مسئولی بعد از هر ژاژخایی زیردست‌اش، اگر او را مورد مؤاخذه قرار ندهد، خود نیز شریک این بیهوده‌گویی‌هاست. بحث آن نیست که وزیر بهداشت بیاید و معاونش را عزل کند که از محالات است. آن هم در جغرافیای ما که خبرنگار معمولاً جایگاه مستحکمی ندارد. صحبت آن است که وزیر ارشاد و معاون فرهنگی‌اش، به موازات جایگاه‌شان، از وزیر و معاونش توضیح بخواهند. تمام‌قد پشت خبرنگاران بایستند. به‌حتم که مدیریت هر رسانه این توان را ندارد که چنین حقی را استیفا کند. یا اصولاً در چنین مواقعی کدخدامنشانه قصد پاک‌کردن سوال و جواب را دارند افسوسانه. خبرنگار را قلمی است جان‌پناه و مقام‌مسئول را قدرتی است بی‌انتها. یکی جهانگیر است و دیگری جهاندار. قدرتِ قلم خبرنگار و روزنامه‌نگار را با چنین الفاظی نمی‌شود از بین برد. الف‌بچه‌ها، قد خواهند کشید. این خبرنگاران می‌مانند. جایگاه‌های ریاست تمام‌شدنی است. آنچه اما تمام نمی‌شود و پایانی بر آن متصور نیست، روح پرسشگری است. اگر این مهم دانسته شود و درک، شاید چنین بگوومگوهایی رخ ندهد. کمترین انتظار از چنین مسئولانی آن است که در خلوت خود بیاندیشند تا در جلوت کمی محتاطانه حرف از زبان‌شان جاری شود. جناب معاون هرآنچه گفته‌اید ثبت می‌شود، آنچه اما بیشتر در ذهن می‌ماند، امری است که شما بدان واقف نیستید؛ خبرنگار را دُر یابید تا دریابید...